

مقالات

فرهنگی

« سیمای هنر امروز ایران در گالری هنری گابیانو » رم

گفتگوی سهیلا میرزایی با شهرام کریمی، هنرمند ایرانی مقیم نیویورک، ۲۵ مرداد ۱۳۸۹

گالری هنری گابیانو در شهر رم ایتالیا شاهد برگزاری نمایشگاه « امروز ایران » با اجرای هنری شهرام کریمی و ارائه آثار هشت هنرمند ایرانی از 6 ژوئیه افتتاح شده و تا آخر سپتامبر دایر خواهد بود.



شهرام کریمی

شهرزاد نیوز: گالری هنری گابیانو در شهر رم ایتالیا شاهد برگزاری نمایشگاه « امروز ایران » با اجرای هنری شهرام کریمی و ارائه آثار هشت هنرمند ایرانی با نام های افسون، کورش عسگری، آلا دهقان، زهرا حسن آبادی، امیر هدایت، شهره همران، مسعود سعدالدین و وحید شریفیان است که از 6 ژوئیه افتتاح شده و تا آخر سپتامبر دایر خواهد بود. شهرام کریمی متولد سال 1957 میلادی اهل شیراز بیش از 20 سال است در آلمان سکونت دارد و نیویورک خانه ی دوم او محسوب می شود.

شهرام کریمی که با نقاشی وارد عرصه ی هنر شد، در زمینه های مختلف هنری فعال است، از صحنه سازی های شیرین نشاط، هنرمند نقاش و فیلم ساز مطرح، گرفته تا نقد هنری و ساخت های ویدئویی که با دوست هنرمندش شجاع آذری با ترکیب نقاشی و فیلم نو آوری هایی کرده اند.

گالری گابیانو، اتاق اول را به هنرمندان خودش اختصاص داده بود که شامل کارهای شهرام کریمی، شیرین نشاط و عباس کیارستمی بود.

او در مورد آثار زنان اعتقاد دارد که فهم درست « چگونه زنی بودن» مهم است نه تنها « زن بودن » و ادامه می دهد:

در وهله اول کار هنری مطرح است و اگر این هنرمند بخواهد در جامعه ای مثل ایران به فردیت برسد کارش درگیر خواهد بود خصوصاً با تابوها.

تابوها می توانند عناصر فکری جامانده و سنت ها باشند و می توانند همه ی محدودیت هایی باشند که یک انسان را از امروری بودن و آزاد بودن به عنوان یک فرد انسان - هنرمند دور می کند.

- معیار شما برای انتخاب هنرمندان چه مواردی را شامل می شد؟

تلاش من این بود که این نمایشگاه برخلاف نگاه متداول « کلیشه ای » به هنر ما که از معیارهای شناخته شده و همیشه مصرف شده آشنا می آیند و عمدتاً هم از طرف برگزارکنندگان خارجی صورت گرفته انجام پذیرد. منظورم از نگاه «کلیشه ای» وجود عناصری است چشم آشنا که می خواهد به طور مصنوعی سریع ایرانی بودن کارها را جیب بزند. مسئله من نشان دادن هنری از امروز ایران است که هنرمندش کارهایش را از هویت خود ساخته هنری گرفته باشد و عاریه ای و مصرف شده نباشد. حتی اگر تاثیر هم از دیگری گرفته از فیلتر « آگاه » بود خویش آن را خودی کرده باشد. مثلن یکی از عکاسان نمایشگاه کوروش که به زن چادری پرداخته است. زن چادری می تواند امروز کلیشه باشد و هست، اما او با نگاه خاصی این زن چادری کار کرده را خاص خود ساخته و جذابیت آن «اروتیسمی» است که از این زن با پوشش چادر بیرون می زند. و یا زن چادری مانده یا گم شده میان انبوه تنه های سوخته و خشک درختان؛ که کار را شاعرانه کرده است.

- فصل مشترک این هنرمندان که در نمایشگاه شرکت دارند چیست؟

فصل مشترک این هنرمندان، درک عمیق و خودرسیدگی و پرداخت و عرضه درست کار است. به طور مثال زهرا حسن آبادی در آلمان زندگی می کند و از عشایر فارس می آید، او با کارت های تلفن که از طریق آنها با خانواده اش در ارتباط است فرش زیبایی بافته است، او خیلی ساده و زیبا توانسته است بین هویت آشنایش و کارهایش پیوند پیدا کند و یا آلا دهقان در ایران زندگی می کند و به شکل ساده، صادقانه بدون بازی های معمول تکنیکی با آبرنگ و مرکب یک سری کار زیبا انجام می دهد و اینها احساسات و نگاه او به آدم های امروز دور و برش می باشند، و یا وحید شریفیان؛ چه کسی باور می کند که او در ایران زندگی می کند و تا این حد مرز قرمز جامعه را می شکند. او بدن لخت خودش را میان سمبل ها و تابوهای جامعه می نشاند و به یک کلاژ بی نظیر تازه می رسد. یا شهره همران نقاش ساکن ایران که از در خانه که بیرون می آید، زنان را که می بیند، به روی بوم می برد. کار او چین و چروک لباس ها و مانند های زنان است که به طور بسیار قوی و زیبا کار می شوند. او به طور صادقانه و زنانه ای دنیای پیرامون خود را تصویر می کند.

- نقش هنر مدرن جهانی چقدر در کارهای هنرمندان ایران خود را نشان می دهد؟

هنر مثل «فلسفه» مثل «هوا» مرز ندارد و در واقع این محدودیت های بومی هستند که مثل دیکتاتورها تلاش می کنند برای اینها مرز به وجود بیاورند.

هنر مدرن مثل فکر مدرن امروزی بودن است در دهکده ای که اسمش دنیاست. اینکه این هنر مدرن از کجا می آید و چه کسانی پیشرو این جریان هستند بحثی جداست که طبیعا بر می گردد به فاصله ی تاریخی ما نسبت به غرب که هر چه ما هنرمندان بومی تلاش می کنیم این فاصله را کم کنیم و با دنیا قدم بزیم باز قدرت های سیاسی این راه ما را طولانی تر می کنند. ما می مانیم و یک ارتباط از دور.

مشکل هنرمندان امروز ایران بسته بودن مرزها و فضا و عدم رابطه مستقیم آنها با دنیای بیرون است. البته خوشبختانه اینترنت تا حدودی این مسئله را حل کرده است اما چقدر از آن جامعه با چنین امکاناتی روبروست و یا استفاده درست از آن را می فهمد وقتی همه چیز « فیلتر » است. همین ارتباط از دور و از سطح شکل بدی به وجود می آورد که کار درست فهمیده نمی شود و بدون درک ریشه ایی این کارها به کپی برداری می پردازد. اما با توجه به تجربه و آشنایی من، بچه های امروز ایران باهوش و با آشنایی کامل با زبان های خارجی با دنیا در ارتباط می مانند.

- مرز بین سنت و مدرنیته در خلق آثار نقاشی ایرانی چیست؟

مسئله امروز ایران اساسن درگیری بین تجدد و سنت است و این شامل هنر هم می شود، اما مسئله اصلی درک و ویژگی های درست فهم « مدرن » در جامعه ایران و همینطور فهم درست « ایرانی » بودن است و سنت ها در وارد شدن امروز ما به دنیای مدرن بدون درک درست، در حد تقلید تنزل پیدا می کند. نقاشان دوران سقاخانه ما توانستند با استفاده درست از علائم و سنت ها به یک مدرنیته در کار هنری خود دست یابند.

ارسال به یکی از دوستان

چاپ